

مژور کانت دن بجه مولفات و سابع صفاتی واردر دیوان حافظی
 غزل بقول قافیہ بر قافہ مستقیم است در اشعار بلاغت مخار حضرت حاج
 حافظ شازی پیش روح القدس سخن ساخت و لایح و لغز نظری تکلف و عجب
 بلکه همچنان کسان لقب بد و کسده گمان و ریب بودی بر لاجرم اول قبوله
 نظیر کجا جواب و بر یک طریقی صواب بدن دورا و لوب نام طریقی بود که بدوی تکلف
 و حرکت است بسیار و متغیر و لود و بی نامت افتاب بر نور کفنی مستور و کل در
 مجرم و فوکل لطیف و نو ادبی بود و حساس بر زخم اول و لبه بی حضور ابوی
 مشتمل بر کتب و لووری جلوه ن بر لطیفه سی خاشاکه خوب و در غرور که
 عفت و اغماض سلطانین بر اقبال الام و عمال و سایر بر بی غیرت اعمال ظلم
 و با سندن اعتدال فراج عالم کون و ستاره اعتدال و ارکان ملک و وجود امکان
 بیوب جنوبی خلوق و انما باشد زلف هموشان اختلاف کلوب ادبی و اول
 اصاع و انسا علی و اعالی و افاضل و انالی و انالی تصدی بدوب عنده و طالع
 عجزه و وضعی رعایای مسکانه تقدی تدو کندن حال کلام علامه آخر الزمان دور
 بر نور باز و عیان و لود و بی بر آن حکایت ادوب تکلیف ساج و دور و غیر
 طار دور سینه کارون شکایت است کیده حاضر اولنا اصلاح عالم خود حساب
 فضل نوام حد منته فخر و امیر کلید بر شکوه شکایت و غیر بر نقل کتاب تدو کار
 بزود اقله با عیان و وجود کلانش همچنان اولنگر کستان چکا سینه و شاد
 است بر اندر زانی خرابی بیاب و بر یک صواب و امید بود چو بر روی او شکار
 از حال لفظها بجز عمر زمان صدواع عشق بر جگر شکایت
 برید کل نترس تر آب مینری و زلب کلام بر شکایت بر زنی
 اسحانی لیسله اول ماه کون کبی اولدی عالیه شهور
 جاک اید و خیر و صبا دست بر زنی اول هم بر نالی می همچور
 لایقید ری خاتم شکر به جهانداز نکه کلچور روی هر کل اول غیب
 مصلی بر حسد و فصلی دیان جهات طاهر و با هر و لطافت بود و نطق است
 و عدوبت بالبرجی سخن و وسایحی حاجیه ستر اول استوار استنولند

فضلی

نامی محمود در و نه قضای حکامه و قدر مبادی حواله و فصلی اعصاب و نحوه
 اشتغال آنکه نصاکه نظر اشعار ایداره صرف قوی نظر ایدوب و اوقاشی
 و کانت ذاتی بر حصرو حال دکاشی نظر مشغولی مشغول و تشریحی و در جرم
 ذاتی تمام احتضار اولدوب در نورش کز خاصیت نور دی خیم جرم حساب
 قران زمان سلطان سلیمان خان او علی شهزاده سلطان محمد کور خراسانه
 شغری زمان و بلغای دوران قصیده لردیوب و آنکه قوه و عجز و فیه و
 ایدی قصیده حسن جلدان مقدم او قوه و فضلی نام بر شکر در تمام اولدوب
 اجازت و بر کمال قصیده حسن اوقسون حضور سلطان سینه و اولدوب و در
 اوقیت بر بویه شهزاده سلطان محمد سعید سیما عجزه و فضلی کات
 دیوانی اولمشدی شهنشاه زبور که دیوانی عجزی اولدوب اول سر و کلشن
 همانی تالی حد صاحب قرانی شکست صحران با مال تکابلی خزان اولدوب
 شهزاده سلطان مصطفی استا استاب و انعام ادوب و خور زمان اول کاتب
 صفاده بلبل کور اولمشدی آخر الام اول شهزاده ملک جلد کز خی کمال دولت است
 عین الکمال و اوقاشی کاتب صفاده و اجماله کسوف زوال بر دکه شاسطه
 کارمان وارث سلک شمس سلیمان اولان سلیمان سلیمان خطره و لیکن حساب بر
 انعام ادوب سنده دخی کاتب یوان و صاحب عنوان اولمشدی اول نامده
 سینه سعید و شاعر در زمان شهزاده **مقصودت فی الیام** الیه ایام است
 عزم عید گاه دار السلام الیه ای حقا کسوه بارک و خوشتر شکره صسم و سینه
 زری زکا و جوهر و صفای سیده رتک نقد شمشیر و فوای عجزه و قاری است
 و اشغالی بله شام دل خان با عرقان میخو معطر بو فیه فضلی با هر و نظیر
 نادر صاحب کتب قاطب اشعار ایدره در مولفات عیدیه و شکر و مصلح فی
 واردر عجزه و عمامی همایون نام کتبی و تحفه عجزه و بی بر نظیر صفای
 و کاتبان طرزنده خلعتان اولوا اشغالی واردر جلدان مشهور اولدوب
 خلقی اجمده مقتول مذکور اول کابل بلبل هر حصا که بر نظیر خوب و کاتب عجزه که
 کل کبی ستر ادوب مقتول عیالی اولدی کل کبلی طاهر و عیالی اولمشدی و بلبل کز

نای